



ذهن و بازار

| جایگاه سرمایه‌داری در تفکر اروپای مدرن | جری مولر | مهدی نصراله‌زاده |

فهرست

- ۱۱ مقدمه
- ۲۷ فصل اول. پس‌زمینه تاریخی: حقوق، عدالت و فضیلت
- ۵۹ فصل دوم. ولتر: «بازرگانی از نوع شریف آن»
ظهور روشنفکران - مبادله و مدارا: استدلال سیاسی - سوداگری فکری - دفاع از تجمل -
نسبت آزمندی و یهودیان: محدودیت‌های روشنگری
- ۱۱۳ فصل سوم. آدام اسمیت: فلسفه اخلاقی و اقتصاد سیاسی
زندگی و زمانه اسمیت - انقلاب مصرفی - تبیین بازار - قانون‌گذار و بازرگان - تراژنامه اخلاقی
جامعه تجاری - دست مرئی دولت - فضایل کوچک و فضایل بزرگ
- ۱۶۷ فصل چهارم. یوستوس موزر: بازار بمشابه ویران‌کننده فرهنگ
فضیلت‌های دانستن جایگاه خود - نابود کردن فرهنگ محلی - خلق فقرا - تجارت و
افول فضیلت
- ۲۰۳ فصل پنجم. ادموند برک: تجارت، محافظه‌کاری و روشنفکران
روشنفکر در عرصه سیاست - بازار برای «معرفت» و «افکار عمومی» - نقد عقل انتزاعی -
برک در مقام مدافع تجارت - برک و کمپانی هند شرقی بریتانیا - تحلیل برک از انقلاب
فرانسه - بنیان غیرقراردادی جامعه تجاری

احساس راحتی (در خانه بودن) در جهان مدرن - زمینه و زمانه فلسفه حق - فردیت و جهان‌شمولی - جامعه مدنی و ناخرسندی‌های آن - فراسوی جامعه مدنی - طبقه عام و نقش فیلسوف

معضل یهود مارکس و معضل کار او - معضل اجتماعی - از هگل‌گرایی تا کمونیسم - انگلس و نقد اقتصاد سیاسی - یهودی‌گری استعلایافته - فراسوی هویت خاص: مانیفست حزب کمونیست - از رباخواری تا خون‌آشامی: سرمایه - عواقب کار

زندگی در بین بی‌فرهنگان (اهالی فلیستیا) و عبرانیان - نقد آرنولد - نقش‌های روشنفکر

تعیین شرایط مباحثه - دگرگونی تجاری - وبر: کارآمدی و افسون زدودگی - زیمل: پول و فردیت - دیالکتیک وسایل و غایات - سومبارت: مقصدانستن یهودیان - جنگ جهانی به منزله نقطه عطف

از روشنفکر به انقلابی - سرمایه‌داری همچون نظامی از توهم - آموزگار انقلاب - حزب بمثابة جمعیت - فریر: بیگانگی و جستجو از بی جمعیت - نقد جزئی‌گرا از بازار - جنگ، دولت و صیانت از خاص بودگی فرهنگی - انقلاب از راست؟

خلاقیت و کین‌توزی در نوشته‌های اولیه شومپیتر - تولد طنز کنایی از دل فاجعه - از رونق تا رکود - تحلیل شومپیتر از رکود بزرگ و پروژه نیودیل - کاپیتالیزم، سوسیالیسم و دموکراسی - نقش روشنفکران

پارادوکس کینز - مکتب تازه و پایان ایدئولوژی - ریشه‌های اروپایی اندیشه مارکوزه - بازتعریف منکوب سیاسی به‌عنوان سرکوب روانی - سلطه از طریق سکس و مکتب - میراث مارکوزه

مقدمه

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم جهانی است ساخته نظام سرمایه‌داری. این نظام، در اشکال مختلف و پیوسته در حال تغییرش، سه قرن با ما بوده است، و سالیان دراز دیگری نیز همچنان با ما خواهد بود. در اروپای قرن بیستم، کمونیسم و فاشیسم هیچ‌یک نتوانستند خود را به عنوان گزینه‌های بدیل کارآمدی معرفی کنند، و مشابه‌های غیراروپایی‌شان نیز به هیچ‌روی موفق‌تر از کار درنیامده‌اند. در تلاش برای شناخت پویش‌های کنونی و پیامدهای آتی نظام سرمایه‌داری، چه بسا دانستن بهترین گفته‌ها و اندیشه‌هایی که در طول سالیان درباره این موضوع طرح شده است مفید باشد. فرض اساسی کتاب حاضر نیز همین است و بنای آن بر این پیش‌فرض استوار است که نظام سرمایه‌داری موضوعی است بسیار مهم‌تر و پیچیده‌تر از آنکه تنها به اقتصاددانان واگذار شود. نیل به درکی انتقادی از سرمایه‌داری مستلزم چشم‌اندازهایی است فراتر از چشم‌اندازهای خاص اقتصاد مدرن. به همین دلیل نیز این کتاب تاریخچه‌ای از آرا و افکار اقتصادی نیست، بلکه تاریخچه‌ای از آرا و افکار درباره اقتصاد سرمایه‌داری است. پس از آدام اسمیت، رشد و توسعه اقتصاد به عنوان یک رشته علمی تا حدی با کنار گذاشتن بسیاری از موضوعاتی صورت گرفت که اتفاقاً برای متفکران مورد بحث در کتاب حاضر اهمیت حیاتی دارند. این امری شک از حیث دستیابی به دقت تحلیلی و

خلق واژگان مشترکی خاص این رشته ثمربخش بوده است. اما اندیشیدن به بازار، مثل بسیاری چیزهای دیگر، بدون هزینه نبوده است: اسلوب دقیق و انسجام رشته‌ای به دست آمده به بهای کم اهمیت شدن موضوعات بسیاری تمام شده است که مستقیماً به بازار مربوط می‌شوند و از این حیث به احتمال فراوان دغدغه اهل اندیشه‌اند.

فکر نگارش این کتاب در اواسط دهه ۱۹۸۰ پدید آمد. در دهه پیش از آن، برخی از تیزبین‌ترین تحلیل‌گران جامعه معاصر موضوع پیامدهای اخلاقی، فرهنگی و سیاسی نظام سرمایه‌داری را در صدر اولویت‌های تحلیل و تفسیر فرهنگی قرار داده بودند. برخی از این مفسران، مانند یورگن هابرماس، به جناح چپ تعلق داشتند؛ برخی، مانند اروینگ کریستول، به جناح راست؛ و برخی، مانند دنیل بل و کریستوفر لاش، در میانه بودند.^۱ دعاوی آنان متعدد و متفاوت بود؛ اینکه کانون گرم خانواده مورد هجوم جهان تجارت و نیروهای آن قرار گرفته است؛ اینکه فضایل مدنی در حال رنگ باختن و ناپدید شدن است؛ اینکه آمادگی برای به تعویق انداختن ارضاء امیال و آرزوها، به عنوان نقطه اتکای سرمایه‌داری، اکنون در حال رنگ باختن است؛ اینکه فردگرایی و خودخواهی در حال نابود کردن هرگونه درکی از هدف و مقصود جمعی است؛ اینکه کار رفته‌رفته معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد؛ اینکه زنان و مردان مسحور کالاهای مصرفی‌ای شده‌اند که در واقع به آنها احتیاجی ندارند؛ اینکه بازار بین‌المللی با نابود کردن فرهنگ‌های تاریخی خاص، چیزی به غیر از یک معجون بی‌بو و خاصیت یا نوعی نیهیلیسم لذت‌پرستانه باقی نمی‌گذارد؛ اینکه اشاعه ارزش‌های بازار رفته‌رفته موجب تضعیف همان سنت‌ها و نهادهایی شده است که سرمایه‌داری بدانها متکی است؛ اینکه امروزه ما به منتهای

1. Jürgen Habermas, *Legitimationsprobleme im Spätkapitalismus* (Frankfurt, 1973), translated by Thomas McCarthy as *Legitimation Crisis* (Boston, 1975); Daniel Bell, *The Cultural contradictions of Capitalism* (New York, 1976); Irving Kristol, *Two Cheers for Capitalism* (New York, 1978); Christopher Lasch, *The Culture of Narcissism: American Life in an Age of Diminishing Expectations* (New York, 1979); Alasdair MacIntyre, *After Virtue* (Notre Dame, Ind., 1981).

فصل اول

پس‌زمینه تاریخی: حقوق، عدالت و فضیلت

آنان که بی‌وقفه و بی‌حد، مال و ثروت می‌اندوزند؛ آنان که دائماً به میراث‌شان خانه‌ها و زمین‌های جدید اضافه می‌کنند؛ آنان که مقادیر عظیمی گندم احتکار می‌کنند تا آن را به‌زعم خود در زمان مقتضی بفروشند؛ آنان که به فقیر و غنی مثل هم وام بهره‌دار می‌دهند، همه آنها به خیال خود هیچ کاری که خلاف عقل و منطق، خلاف انصاف، و سرانجام خلاف قانون الهی باشد انجام نمی‌دهند، زیرا گمان می‌کنند نه فقط به کسی ضرر نمی‌زنند، بلکه به آنان که در شرف افتادن به افلاس‌اند سود هم می‌رسانند... این در حالی است که اگر هیچ‌کس بیش از آن مقدار که برای رفع نیازهای ضروری خود و خانواده‌اش لازم است تحصیل نمی‌کرد یا در تملک نداشت، آنگاه فقر و تنگدستی هم هیچگاه در جهان وجود نمی‌داشت. پس آنچه خیل مردم تنگدست را به بینوایی محض می‌کشاند همین میل به تحصیل و تملک هر چه بیشتر است. آیا این حرص بی‌حد آدمی برای تحصیل مال می‌تواند ببری از گناه، یا تنها اندکی مجرمانه، باشد؟¹

پدر روحانی توماسین، رساله در باب تجارت و ربا، ۱۶۹۷

1. Thomassin, *Traité du Négoce et de l'Usure* (1697), pp. 96 ff.

به نقل از:

Bernard Groethuysen, *The Bourgeois: Catholicism vs. Capitalism in Eighteenth-Century France* (New York, 1968), pp. 191-2.

تردیدی نیست که تجارت، بنا به ماهیت خود، چیز مهلکی است؛ تجارت ثروتی را ایجاد می‌کند که خود موجب تجمل‌طلبی می‌شود؛ تقلب و آزمندی را پدید می‌آورد و فضیلت و ساده‌زیستی را نابود می‌کند؛ تجارت اسباب تباهی مردم را فراهم می‌آورد و راه را برای ورود آن مفسده‌ای هموار می‌کند که فرجام قطعی‌اش بردگی برای خودی یا بیگانه است. لیکورگوس، در کامل‌ترین الگوی حکومتی‌ای که بشر تاکنون ساخته، تجارت را از جامعه خود بیرون راند.^۱

چارلز دَوِنِنت، «رساله در باب روش‌های محتمل منتفع کردن مردم در موازنه تجاری»، ۱۶۹۹

در مباحثات امروزی درباره ارزش اخلاقی جامعه‌ای که حول محور بازار سازمان یافته است، هم بحث‌های جدید وجود دارد و هم بحث‌های قدیم و دیرینه. برای تشخیص این دو از یکدیگر، باید نگرش‌های خاص سنت‌های معظم تفکر اروپایی در قبال تجارت و جستجوی نظام‌مند سود مادی از طریق داد و ستد را در یاد داشته باشیم. زیرا همین نگرش‌ها پس‌زمینه‌ای از مفاهیم و انگاره‌ها را ساختند که روشنفکران امروزی بعداً در متن آن اندیشیدند و قلم‌فرسایی کردند. حتی زمانی که استدلال‌های سنتی مزبور دیگر به صراحت بیان نشدند، همچون بقایا و رسوباتی همچنان باقی ماندند و برداشت‌های عامیانه و بحث‌های موشکافانه‌تر بعدی را تحت تأثیر قرار دادند.

در تصویر ترسیم‌شده از جامعه خوب در سنت‌های کلاسیک یونانی و مسیحی، سنت‌هایی که همچنان در حیات فکری قرن هجده و پس از آن پرنفوذ باقی ماندند، جایی — یا جای چندانی — برای تجارت و سودطلبی وجود نداشت. با این حال، زمانی که مسیر بحث از ترسیم خطوط کلی جامعه آرمانی به اداره امور زنان و مردان واقعی از طریق قانون عوض شد، همسازی با تجارت و سودطلبی نیز

1. Charles Davenant, "Essay upon the Probable Methods of Making a People Gainers in the Balance of Trade" (1699), in *Works*, vol. 2, p. 275

به نقل از:

J. G. A. Pocock, *The Machiavellian Moment* (Princeton, N.J., 1975), p. 443.